گشتی در گالری‌ها

عکاسی با طعم کیارستمی برف و پیتر بروگر

مهدی شادی‌زاده معتقد است عکاسی ایران به عباس کیارستمی مدیون است.این روزها نمایشگاه عکس مهدی شـادی‌زاده با عنوان «مینی‌مال در برف» در گالری فردا برپاست. این هنرمند در همین‌باره به ایران آرت گفت: در عکاسی همیشه به دنبال فرم‌های مینیمال بودم. زمستان تنهافصل سال است که می‌توان به راحتی این فرم‌ها را در آن یافت. زیرا تقابل سـفید و سـیاه در آن واضح، خطوط مجزا و عناصر بر یک زمینه ساده استوار شده‌اند.

وی افـزود: زمسـتان سال‌هاسـت برایم در جسـت‌وجوی مینی مالیسـم می گذرد.این نمایشـگاه حاصل عکس‌هایی اسـت که در زمستان در سال‌های گذشـته گرفتم. البته تعداد عکس‌ها بسیار زیاد اسـت اما تنها ۲۴ فریم از آنهـا را برای نمایـش در گالری فردا انتخاب کردم.

این هنرمند گفت: عکاسی برایم یک کانسپت است که بتوانم فرم‌ها و ترکیب‌های مورد نظرم را در آن پیدا کنم. مثلا ممکن است برخی آثار این نمایشگاه امپرسـیون باشد. در این زمینه سـوژه‌های دیگری هم دارم. مثلا نمایشگاه کلاغ‌ها و برکه را در سال آینده در گالری سایه و گلستان برگزار خواهم کرد. برکه‌ها مجموعه عکسی اسـت که تحت تاثیر برکه‌های کلود مونه خلق کرده‌ام. سـال‌ها برکه‌های مختلف را دیدم و همیشه برایم به عنوان یک کانسپت نقاشی جالب بوده‌اند.



شادی‌زاده گفت: به نقاشی علاقه زیادی دارم ولی گمان می کنم این روزها عکاسی به خاطر امکاناتی که بـه هنرمند می‌دهد از نقاشـی جلوتر است.

شما با اسـتفاده از این ابزار هنری می توانید ترکیب‌بندی‌ها و رنگ‌های مختلف و فرم‌های متنوعـی بیافرینید. کنار هـم چیدن عناصر طبیعت به نوعی شبیه نقاشی است.

او در توضیح سـخنش گفت: بـرف برای من همیشه یک بوم سفید نقاشـی بوده است که روی آن به دنبال فرم‌های مورد نظرم گشتم. نقاشی از قبل آن بوم سفید را دارد و نقاش در خلوت و دنیای شخصی خودش روی آن خلق می کند ولـی برف یک بوم طبیعی اسـت که عناصر مختلف روی آن قرار می گیرند. شاید به همین دلیل است که بعضی وقت‌ها مخاطب‌ها اصلا متوجه نمی‌شـوند که زمینه یک عکس برف است و نه بوم نقاشی.

مهدی شادی‌زاده درباره حضور برف در نقاشی همچنین گفت: پیتر بروگر اولین کسی بود که این عنصر سفید و سـاده را وارد نقاشی کرد و توانست با آن آثار زیبایی خلق کند. همین‌طور عباس کیارستمی کسـی بود که برف را وارد عکاسـی ما کرد و از این نظر عکاسی ما کاملا مدیون اوست. شاید قبلا کسانی از برف عکاسی کـرده بودند ولی مـن همه نمایشـگاه‌های کیارستمی را دیدم و با اطمینان می گویم این نوع خاص از عکاسـی مدیون نگاه ویژه عباس کیارستمی است.

وی همچنین توضیـح داد: انـکار نمی کنم که از کیارسـتمی الهام گرفتـم و تحت تاثیر عکس‌های او از برف بـودم. آن نگاه مینی مال که در عکاسی مدنظرم اسـت در این دسته از عکس‌های او کاملا مشهود است. کیارستمی بروگر عکاسـی ایران اسـت. عکس‌های این هنرمند، درواقع شـروع یکـی از جریان‌های بزرگ عکاسی کشور ایران است.

این هنرمند گفـت: به خاطر عکاسـی زیاد سـفر می‌روم اما در عین حال کاملا هدفمند سـفر می کنم. مثلا می‌دانم در چه فصلی و در کجا می‌تـوان بافت خاصی پیـدا کرد. برخی از عکس‌هایی که مثلا از ریشـه‌های درختان گرفتم در حاشـیه اتوبان‌های تهران اسـت. گفتنی است نمایشـگاه عکس «مینی‌مال در برف» مهدی شـادی‌زاده در گالری فردا برپا شده است.

هنرمندی که در هیچ «ایسمی» نمی‌گنجد

PDF Compressor Free Version

به بهانه زادروز پری یوش گنجی نقاش برجسته ایرانی



محمدمهاجری

دهم تیرماه، هفتاد و سومین زادروز هنرمندی بود که همین سـه سـال پیش نشـان افتخار «خورشید تابان، انوار زرین» را از سـوی امپراتور ژاپن دریافـت کرد.این یعنـی هنرش نه محدود به سـرزمینش بلکه سیمایی جهانی دارد.او کسـی است که برای بسط اندیشه‌هایش بر بوم، جستجوگر زوایای پشت پرده هستی بوده و هست. او پری‌یوش گنجی اسـت. همسـر مسعود خیامِ نویسنده. دانش‌آموخته مراکز مهم نقاشـی جهان. در واقع او یک جهانگرد دانشـگاهی اسـت و از این منظر مروری بر آثارش می کنیم.

پری‌یوش گنجی به بیـان خودش از سال ۱۳۲۴ که در شـهر تبریز متولد می‌شـود تاکنون در حال آموختن و آموزش نقاشی اسـت. در معتبرترین دانشـگاه‌های آسـیا و اروپا و آمریکا تحصیل کرده و البته تدریس هم.

در ایران، ژاپن، آلمان، آمریکا، فرانسه، عربستان، کویت، ازبکستان و چند کشور آسیای میانه نمایشگاه برگزار کرده‌است و این‌ها همه نشان از زندگی حرفه‌ای یک زن ایرانی است که برای پردازش ذهن هنری خود مرزی نمی‌شناسد. نگاه جهانی‌اش به هنر و آثاری که از خود بر جای گذاشته اسـت او را تبدیل به یک برند جهانی کرده‌است. پری‌یوش گنجی اکنون هفتادوسه ساله است اما همچنان زیبا و پرنشـاط در عرصه‌های حرفه‌ای نقاشی جهان حضوری چشمگیر دارد.

در گفتگویی که با او داشتم معتقد بود: «من از محیطی که در آن زیست کرده‌ام الهام گرفته‌ام و هرگز از تجربه جریان‌های هنری بی‌بهره نبوده‌ام. در این مسیر همه آنچه را که اندوختـه‌ام به زبان خودم به روی بوم باز آفرینی کرده‌ام.»

گنجـی در آخرین نمایشـگاهی که برگـزار کرده بـود، گزیـده‌ای از مجموعه‌های قرمز، پنجره‌های شب، رُزهـا، پنجره‌هـای روز و در نهایـت مجموعه آب که همگی از اوایل دهه ۸۰ خورشیدی تا به امروز خلق شده‌اند را به نمایش درآورده بود.

گنجی در تمام دوران حرفه‌ای خود از جریانات اجتماعی سیاسی جامعه خود بی‌واسطه تاثیر گرفته است و آنها را در آثارش بازتاب داده است. به عبارتی او راوی حوادث جامعه خود بازبان رنگ است

شاید بتوان گفت بیشتر آثار به نمایش درآمـده در آن نمایشـگاه از یک زبان مشـترک بهره می‌برند که همانا زبان مانای زنی‌سـت که مملو از احساسات لطیف و در عین حال خردورزانه است. او در تمام دوران حرفه‌ای خود از جریانات اجتماعی سیاسی جامعه خود بی‌واسطه تاثیر گرفته اسـت و آنهـا را در آثارش بازتاب داده‌اسـت. به عبارتـی او راوی حوادث جامعه خود با زبان رنگ است. در واقع ترجمان واژگانی آثار پری‌یوش گنجی را باید در ژرفای نگاه پرسشگر او جستجو کرد. او از درآمیختگی رنگ‌های داغ و چیدمـان لایه گـون آنها که حتا گاهی به ۱۵ لایه بـا یک تیرگی خاص همراه می‌شوند، اشـاره به اتفاقی دارد که پیرامونش را احاطه کرده اسـت. او در بیان این اتفاق اشاره به ایران دارد. به این معنا که: «در سرزمین من برای دیده شدن هر چیزی باید نوری بر آن تابیده شود.» پنجره به باور پری‌یوش گنجی یک بزنگاه است. جایی که می‌توان هم از آن دید و هم دیده شد. معتقد است هر کسی در ذهن خود پنجره‌ای دارد که از آن به جهان می‌نگرد. شاید این مهمترین بخش ایده‌ای بوده است که منجر به خلق مجموعه پنجره‌ها شده‌است. بیشتر آثار با تکنیک رنگ روغن کار شـده است. موضوعاتـی چون پنجـره، رودخانه و گل، کـه جملگی محصـول کارهای ۱۰ سال اخیر اوست. در مجموعه قرمز، تابلوها پس‌زمینه‌ی سیاه دارند. انباشت لایه لایه رنگ سیاه که در همه آثار این مجموعه، حضوری موقت داشـته‌اند. به طوریکه در نهایت بر تـن و اندام این سیاهی با تزریق رنگ قرمز که آن هم به صورت لایه لایه اتفاق افتاده است یکبار دیگر نوید گـذر از تلخی‌ها را می‌دهند. این روند ادامه دارد تا اینکه در نخستین سـال‌های دهه ۹۰ قرمزها رفته رفته بنفش می‌شوند. بنفشی که سرنوشت مجموعه پنجره‌های شب را رقم می‌زند. در مجموعه پنجره‌های شب، هرگز ردی از رنگ سیاه دیده نمی‌شود. بنفش‌های تیره ممکن بود سـیاه به نظر برسند و ظلمات را تداعی کنند اما با تابش نور بر آنها از لایه‌های زیریـن رنگ‌ها آهنگ زندگی به گوش می‌رسـد. این روند به مسـیر خود ادامه می‌دهد تـا آنجا که پنجره‌ها رو به باز شدن می‌روند. آن قدر که در نهایت منجر به پیدایش مجموعه پنجره‌های روز می‌شود. این بار اما همه چیز خود را در یک روشـنایی شیری رنگ تعریف می‌کند. روشنایی در ابعاد زیباترین اوقـات زندگی. این مجموعه هم آن قدر به حیات خود ادامه داد که در نهایت از انباشـت لایه‌های سفید روی هم و ایجاد پس‌زمینه‌هایی با رنگ قرمز روی آن، مجموعه‌ای تازه به دنیا می‌آید با عنوان آب. عنصری که عامل حرکت و حامل لذت است. پری‌یوش گنجی در توضیح سبک نقاشـی خود می‌گوید: «من خودم را در هیچ ایسـمی تعریف نمی‌کنم. من از شانزده سالگی نقاشی را شروع کردم. بطور کلی چارچوب خاصی ندارم. من در جایی مینی مالیست هستم و گاهی کالریست. هر چند که همیشه اکسپرسیونیسم‌ها را دوست داشته‌ام.» با این همه در سابقه کاری پری‌یوش گنجی تجربه دوره‌های مختلفی را می‌توان دید. از دوره‌های فوتوریستی گرفته تا آبستره، اکسپرسیونیسـم و حتا تاثیرپذیری از نقاشی‌های ژاپنی به‌ویژه سومیه یاهمان آب مرکب. او در این باره می‌گوید: «آن قدر که تفکر و منش نقاشی ژاپنی روی من تاثیر گذاشت اکسپرسیونیست‌ها روی من تاثیر نگذاشـتند. هر چند من در موزه‌های بزرگ دنیا کارهای هنری بسیاری دیده‌ام و دیدن این آثار به خودی خود روی من تاثیرگذار بوده است اما در هیچ یک از آنها متوقف نشـدم.» برای پری‌یوش گنجی مخاطب عام و خاص معنا ندارد. او خودش را واسطه‌ای میان اثر و مخاطب می‌داند. به بـاور او ارزش اثر هنری به این است که پسند مخاطب خاص باشد و مورد فهم مخاطب عام. او درباره لایه لایه بودن آثارش معتقد است: «این لایه‌ها اشاره به زندگی‌ست. درواقع زندگی زیر لایه‌ها جریان دارد. ما گمان می‌کنیم یکدیگر را می‌بینیم اما به خاطر لایه‌های فراوان قادر به دیدن هیچکس نیستیم. در حقیقت ما زیر لایه‌ها زندگی می‌کنیم.» در ارتباط با نقش زن در آثار پری‌یوش گنجی باید گفت تا قبل از سال ۶۷ همواره بر پیشانی تابلوهایش، زن از تبلوری والا برخوردار بود اما کم کم رنگ و لعاب این حضور زیبا، محو شود. خودش در این باره می‌گوید: «من از بی‌مهری‌ای که به زنان می‌شود ناراحت هستم. تاثیر این حس و حال خاص را در زنان بی‌چهره و بازنانی که از مخاطب روی برگردانده‌اند به تصویر کشیده‌ام. حذف زنان از عرصه زندگی من را می‌رنجاند. از آن سـال‌ها به بعد خود به خود زن در تابلوهای من قهر کرد. البته زن از مرد قهر نکرد بلکه از شـرایط پیش‌روی‌اش قهر کرد. این احساس تا جایی پیش رفت که حتا انسان هم از تابلوهایم بیرون رفت.» اکنون او در کنار آثارش با قامتی به بلندای هفتاد سال چنان زیبا ایستاده است که من در مقام یک مخاطب آرزوی نقاشی کردن این تصویر را دارم. انگار زندگی کمی آرامتر شده است و می‌توان هنوز امیدوار بود.

پنجره به باور پری‌یوش گنجی یک بزنگاه است. جایی که می‌توان هم از آن دید و هم دیده شد. معتقد است هر کسی در ذهن خود پنجره‌ای دارد که از آن به جهان می‌نگرد

تصویر

گذر و نظری بر نمایش آثار دیجیتال آرتیست نروژی در تهران

نمایشگاه آثار متس الکساندر گرنابو با عنوان «فرآیند» در گالری پاییز خانه هنرمندان برپاست. گرنابو عکاس و دیجیتال آرتیست نروژی است و به عنوان تکنیسین فنی تئاتر ملی نروژ فعالیت می‌کند. مونس محمودی که گـردآوری آثار و برگزاری نمایشـگاه این هنرمند در ایران را بر عهده داشته است در گفت‌وگو با هنرآنلاین درباره شکل‌گیری این مجموعه گفت: امروزه با افزایش ارتباطات در فضاهای مجازی هنرمندان سراسر دنیا این امکان را دارند تـا آثار یکدیگر را ببینند و با هم در ارتباط باشـند. گرنابـو هم با توجه به فعالیت‌های من در زمینه هنر، برگزاری نمایشگاه و نقد آثار هنری، تعدادی از آثار خود را برای من ارسال کرد تا نظر مرا درباره آنها بداند.

محمودی افـزود: گرنابو علاقه داشـت که نمایشگاهی از آثارش را در ایران برگزار کند و پس از آنالیز آثار او و آشناشدن با نحوه کارش همکاری ما شکل گرفت. این پروسـه یک سال به طول انجامید و در تمام این مدت در جریان شکل‌گیری آثار بودم. در نمایشـگاه نیز ویدئوهایی پخش می‌شـود که فرآیند تولید آثار را برای مخاطب نمایش می‌دهد.

او درباره تکنیـک آثار ایـن هنرمند گفت: کارهای گرنابو نقاشی دیجیتالی نیست که فقط در کامپیوتر انجام شـود. مراحل اولیه کار او به صورت دستی طی می‌شـود و با توجه به اینکه فضای کار او تئاتر ملی نروژ اسـت، با الهام از این فضا به طراحی صحنه پرداخته و با چیدن متریال مختلف روی صحنه و نورپردازی آنها، به عکاسی می‌پردازد.

او با اشاره به اینکه گرنابو شـناخت قبلی از ایران نداشت افزود: تولید اثر هنری در نروژ بسیار گران است و زمانی که این آثار به ایران می‌آیند قیمت واقعی آنها برای مخاطـب ایرانی خیلی زیاد است. بنابراین بهتر بود که گرنابو بخشی از آثار را در ایران تولید کند، اما چون شرایط ایران را نمی‌شناخت فکر می‌کرد اینجا امکانات فنی کافی وجود ندارد. محمودی ادامه داد: گرنابو سفرهای زیادی کرده و علاقه زیادی داشـت که ایران را ببیند. او در زمان تولید این کارها به موسـیقی ایرانی گوش می‌کـرد و در بعضـی از آثارش از خوشنویسی استفاده کرده است. حتی یکی از آثارش را به مناسبت زلزله کرمانشاه تولید کرد. او با اشاره به استقبال مخاطبان از این آثار گفت: برگزاری چنین رویدادهای فرهنگی و برگزاری نمایشگاه‌هایی از هنرمندان خارجی اتفاق بسیار خوبی است. در این نمایشـگاه احساس کردم محصولی در یک نقطه از دنیا تولید شده بود که به دنبال مخاطب خود می‌گشت و آن را در ایران پیدا کرد. پیدا کردن هنرمند، رشـد دادن آثار و در نهایت نمایش آنها کار یک کیوریتور است و جذابیت زیادی دارد.



فروش آنلاین در دستور کار انجمن نقاشان

یک عضو هیئت مدیره انجمن نقاشـان ایـران گفت: در انجمن نقاشـان فروش آنلاین را در دستور کار خود قرار داده ایم و در این زمینه تمرکز کرده ایم چرا که به نظر می رسـد فروش آنلاین می تواند به شناخت هنرمندان کمک و موجب دیده شدن آنها شود. مینا نادری در حاشیه نمایشگاه گروهی اعضای انجمن هنرمندان نقاش ایران در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: سعی شده یک تمرکز شش ماهه بر روی سیاست برگزاری نمایشگاه کارنمای نقاشان ایران انجام شود و تلاش شده در این نمایشگاه‌ها فرصتی برابر به هنرمندان داده شود و هنرمندان حرفه‌ای باشند و حتما آثار هنرمندانی در این نمایشگاه‌ها به نمایش گذاشته شود که طی دو سال اخیر فعال بوده باشند. وی افزود: برگزاری این نمایشگاه‌ها را می‌توان یکی از دستاوردهای انجمن نقاشان ایران عنوان کرد که توانست با این کار جوانان نقاش را به گالری‌های تهران و خارج از کشور معرفی کند. نادری تصریح کرد: در انجمن نقاشان فروش آنلاین را در دستور کار خود قرار داده ایم و در این زمینه تمرکز کرده ایم چرا که به نظر می رسد فروش آنلاین هم می تواند به شناخت هنرمندان ما کمک کند و بتواند موجب دیده شـدن هنرمند شود. وی در خصوص برخی انتقادها که به گالری داری و دیوار فروشـی و انحصاری شدن فعالیت هنر در نقاشی می‌شود، گفت: متاسفانه گاهی برای ارائه نقاشی‌ها در تهران تعدادی هنرمند هستند که فقط می‌توانند بفروشند، گالری داشته باشند و در گالری‌های خارج از کشـور حضور پیدا کنند. باید تلاش کنیم و بتوانیم هنرمندان جوانمان را نیز وارد این گالـری‌ها کنیم و از دیوار فروشی فاصله بگیریم.



روایت عکس‌ها از یک قربانی اسیدپاشی

نگار مسعودی، عکاس و فیلمسازی که نمایشگاه عکس هایش از مرضیه ابراهیمی آخرین قربانی اسیدپاشی اصفهان در خانه هنرمندان ایران برپاست درباره ایده اولیه برگزاری این نمایشگاه به خبرنگار مهر گفت: قبل از شروع به عکاسی چند ماهی با مرضیه ابراهیمی ارتباط داشتم و با او دوست شده بودم. بعد از آن چند روز با مرضیه زندگـی کردم و حاصل چند روز زندگی، نمایشگاه عکس «سرنوشت تورابتی رقم زد که دیگران می‌پرستیدند» شد.

وی درباره نگاه عکاسـانه‌اش به موضوع اسیدپاشـی در اصفهان و پرداختن به یکی از قربانیان این حادثه توضیح داد: نگاهم به این موضوع اجتماعی بود ولی نکته مهم این بود که احسـاس می کردم این حادثه فراموش شـده است و وقتی دنبال مرضیه ابراهیمی بودم به این باور رسیدم، چون خیلی سخت او را پیدا کردم. من این کار را با مرضیه آغاز کردم چون اولاً اسیدپاشی برایم مساله بود و دومین مساله مهم برایم این بود که چرا دختران اصفهانی قربانی اسیدپاشی حذف شده‌اند و هیچکس به آنها نمی‌پردازد. وضعیت این دختران به گونه‌ای است که انگار جای مجرم و قربانی عوض شده است و این موضوع برایم مهم بود. مسعودی افزود: من و مرضیه ابراهیمی در مدت آشنایی‌مان سعی کردیم لایحه «ممنوعیت و محدودیت خرید و فروش اسید» تصویب شود و توانستیم با اقدام شخصی‌مان این لایحه را به مرحله پیش نویس برسانیم. این عکاس ابراز امیدواری کرد بر پایی این نمایشگاه عکس، گامی موثر در جهت تصویب لایحه «ممنوعیت و محدودیت خرید و فروش اسید» در مجلس شورای اسلامی شود.

